



## Analysis of criminal strategies and policies in family crimes based on the Iranian legal system

Boshra Mohammadifard<sup>1</sup>, Motahare Hadavand<sup>2</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Family crimes in Iran's legal system represent a critical challenge for criminal policy due to their entwinement with cultural, ethical, and religious norms. This study critically examines Iran's criminal strategies regarding family offenses and evaluates their alignment with perfectionism, deontological ethics, utilitarian principles, and contemporary criminological frameworks.

**Method:** This research has been conducted using a descriptive-analytical approach.

**Findings and Conclusions:** The findings reveal persistent patriarchal and moralistic influences, conceptual ambiguities in defining domestic violence, limited protective mechanisms, and tensions between cultural norms and modern justice imperatives. The study underscores the necessity of revising criminal policies, enhancing protective approaches, and integrating restorative justice practices to improve the efficacy of legal responses to family-related offenses.

**Keyword:** Family crimes, perfectionism, moralism, restorative justice.

\* Citation (APA): Mohammadifard, B., Hadavand, M. (2025). Analysis of criminal strategies and policies in family crimes based on the Iranian legal system. *Applied criminology research*, 3(9), 55-74.

[https://www.qacr.ir/article\\_732117.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_732117.html?lang=en)

1. Assistant Professor, Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran. (Corresponding Author). Email: radmehr351@yahoo.com

2. PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: m.hadavand199@gmail.com



## واکاوی استراتژی‌ها و سیاست‌های کیفری در جرائم خانوادگی بر سنجه نظام حقوقی ایران

بشری محمدی فرد<sup>۱</sup>✉، مطهره هداوند<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** جرائم خانوادگی در نظام حقوقی ایران به دلیل پیوند با ساختارهای فرهنگی، اخلاقی و دینی، از مهم‌ترین چالش‌های سیاست کیفری محسوب می‌شوند. این پژوهش با هدف تحلیل استراتژی‌ها و سیاست‌های کیفری ایران در قبال این جرائم و ارزیابی میزان انطباق آن‌ها با اصول کمال‌گرایی، اخلاق‌گرایی، فایده‌گرایی و نظریات معاصر جرم‌شناختی انجام شده است.

روش: روش این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران همچنان تحت تأثیر ارزش‌های پدرسالارانه و اخلاق‌گرایانه بوده و در برخی حوزه‌ها با چالش‌هایی همچون ضعف تعریف جامع از خشونت‌های خانوادگی، محدودیت سازوکارهای حمایتی و تعارض میان هنجارهای فرهنگی و الزامات عدالت نوین مواجه است. نتیجه پژوهش بیانگر ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری، تقویت رویکردهای حمایتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی برای ارتقای کارآمدی واکنش کیفری در جرائم خانوادگی است.

**کلیدواژه‌ها:** جرائم خانوادگی، سیاست کیفری، کمال‌گرایی، اخلاق‌گرایی، عدالت ترمیمی.

\*استناددهی (APA): محمدی فرد، بشری، هداوند، مطهره. (۱۴۰۴). واکاوی استراتژی‌ها و سیاست‌های کیفری در جرائم خانوادگی بر سنجه نظام حقوقی ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۹)، ۵۵-۷۴.

[https://www.qacr.ir/article\\_732117.html](https://www.qacr.ir/article_732117.html)

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Radmehr351@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: m.hadavand1999@gmail.com



جرایم خانوادگی از جمله معضلات پیچیده و چندبُعدی در عرصه حقوق کیفری معاصر به شمار می‌آیند؛ زیرا نه تنها در بُعد قانونی، بلکه در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز آثاری عمیق و پایدار بر افراد و جامعه بر جای می‌گذارند. در این میان، نحوه مواجهه نظام عدالت کیفری با این دسته از جرائم، مستلزم اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های کیفری هوشمندانه و چندسطحی است که بتوانند ضمن تأمین عدالت کیفری، به صیانت از کرامت انسانی، بازپروری مجرمان و حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان نیز نائل آیند. در این راستا، بهره‌گیری از مبانی فلسفی همچون کمال‌گرایی<sup>۱</sup> می‌تواند چارچوبی نظری و اخلاقی برای طراحی و تبیین سیاست‌های کیفری فراهم آورد. کمال‌گرایی در حوزه حقوق کیفری بر این باور استوار است که هدف نهایی سیاست جنایی نباید صرفاً بر مجازات و سزادهی مبتنی باشد، بلکه باید در پی اصلاح فرد، تهذیب نفس و ارتقاء سطح اخلاقی و معنوی انسان باشد. در پرتو این دیدگاه، اصول بنیادین کمال‌گرایی کیفری را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه نمود:

- نخست، اصل رشد و اصلاح انسان که غایت مجازات را بازپروری و هدایت اخلاقی فرد می‌داند؛

- دوم، اصل حفظ کرامت ذاتی انسان که اقتضا دارد حتی در مقام اجرای عدالت کیفری، شأن انسانی مجرم مخدوش نگردد؛

- سوم، اصل تربیت اخلاقی و خودسازی که سیاست جنایی را ابزاری برای تعالی روحی و اخلاقی انسان می‌شمارد؛

- چهارم، اصل مسئولیت اخلاقی و اجتماعی مجرم در قبال جامعه و خانواده؛

- پنجم، اصل توازن میان عدالت و رحمت که بر ضرورت جمع میان قاطعیت کیفری و رأفت انسانی تأکید دارد؛

و در نهایت، اصل غایت‌گرایی کیفری که هدف نهایی سیاست کیفری را تحقق خیر عمومی، سعادت فردی و حفظ نظم اخلاقی جامعه می‌داند. از این منظر، کمال‌گرایی کیفری که بر جنبه‌های اصلاحی، تربیتی و بازپرورانه تأکید دارد، می‌تواند چارچوبی نظری برای بازاندیشی در سیاست‌های کیفری ایران در قبال جرائم خانوادگی فراهم آورد. هرچند ممکن است کمال‌گرایی در برخی سطوح در پی ترسیم الگویی از رفتار مطلوب انسانی باشد، اما در قلمرو سیاست جنایی، این الگو در جهت هدایت اخلاقی و ارتقای معنوی انسان‌ها به کار گرفته می‌شود. در نظام حقوقی ایران، با توجه به زمینه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی خاص، ضرورت دارد که سیاست‌های کیفری در حوزه جرائم خانوادگی به نحوی تنظیم شود که علاوه

1. Perfectionism

بر تأمین عدالت کیفری، در راستای تحکیم بنیان خانواده، پاسداشت کرامت انسان و ارتقای اخلاق اجتماعی نیز عمل کند. بررسی و واکاوی سیاست‌های کیفری ایران در قبال جرائم خانوادگی از منظر کمال‌گرایی، ضرورتی مضاعف دارد؛ چرا که این جرائم، به ویژه در اشکال خشونت خانگی، آزار روانی، تجاوز جنسی و قتل‌های خانوادگی، نه تنها بر افراد و خانواده‌ها، بلکه بر بافت اجتماعی و اخلاقی جامعه تأثیرگذارند. این جرائم در فضایی خصوصی و بر پایه روابط عاطفی و خویشاوندی رخ می‌دهند و از همین رو، نظام عدالت کیفری باید با دقت، ظرافت و حساسیت ویژه‌ای با آن‌ها مواجه شود. سیاست کیفری مطلوب در این حوزه باید به گونه‌ای طراحی گردد که ضمن برخورد قاطع با مجرم، زمینه اصلاح اجتماعی، حمایت از بزه‌دیدگان و ارتقاء کیفیت زندگی خانوادگی را نیز فراهم آورد. کمال‌گرایی کیفری، به عنوان فلسفه‌ای مبتنی بر اصلاح فرد و رشد شخصیت انسانی، می‌تواند در این مسیر راهنمایی نظری مؤثر برای سیاست‌گذاران کیفری باشد. این مقاله با هدف واکاوی استراتژی‌ها و سیاست‌های کیفری در جرائم خانوادگی در نظام حقوقی ایران و بر پایه اصول کمال‌گرایی، می‌کوشد تا ضمن تحلیل سیاست‌های کیفری موجود، به ارائه راهکارهایی برای تلفیق عدالت کیفری با ارزش‌های اخلاقی و انسانی بپردازد. ضرورت انجام این پژوهش از آن روست که شناخت صحیح از سیاست‌های کیفری و تأثیر آن‌ها بر کرامت انسانی، به‌ویژه در محیط خانواده، می‌تواند گامی مؤثر در جهت اصلاح ساختار نظام قضایی، حمایت از بزه‌دیدگان و تحکیم امنیت اجتماعی و اخلاقی جامعه باشد. در پرتو تحولات حقوق بشر و افزایش توجه جهانی به حقوق فردی، بازنگری مداوم در سیاست‌های کیفری مرتبط با جرائم خانوادگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نظریه «برچسب‌زنی» در جرم‌شناسی، به ویژه در آثار هاوارد بکر، نشان می‌دهد که انحراف تنها محصول کنش فردی نیست، بلکه نتیجه فرآیندهای اجتماعی است که در آن، افراد یا گروه‌ها بر اساس هنجارهای مسلط برچسب «منحرف»، «متخلف» یا «بی‌اخلاق» می‌گیرند. در بستر خانواده، این فرآیند غالباً تحت تأثیر ساختارهای پدرسالارانه و ارزش‌های اخلاقی سنتی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که رفتار زنان و کودکان بیش از سایر اعضا مشمول کنترل و برچسب‌گذاری می‌شود. این امر نه تنها به تشدید نابرابری قدرت در خانواده منجر می‌شود، بلکه در بسیاری موارد زمینه‌ساز چرخه خشونت، انزوای بزه‌دیدگان و استمرار رفتارهای زیان‌بار خانوادگی است. از این رو، واکاوی سیاست‌های کیفری ایران در حوزه جرائم خانوادگی، بدون توجه به نقش برچسب‌زنی و پیامدهای جرم‌ساز آن، تصویری ناقص از واقعیت‌های اجتماعی خشونت خانوادگی ارائه خواهد کرد. در این پژوهش، علاوه بر مبانی کمال‌گرایی، اخلاق‌گرایی و پدرسالاری، نقش سازوکارهای برچسب‌زنی نیز در ارزیابی کارآمدی سیاست‌های کیفری ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. سیاست کیفری جرائم خانوادگی در پرتو اصل کمال‌گرایی، اخلاق‌گرایی و فضیلت‌گرایی  
 نظام حقوقی ایران در برخورد با جرائم خانوادگی، تحت تأثیر اصول دینی، فرهنگی و اجتماعی خاصی قرار دارد که سیاست‌های کیفری آن را شکل داده‌اند. این سیاست‌ها به ویژه در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از خانواده و لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت تجلی یافته‌اند. تحلیل این قوانین نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در تلاش است تا میان اصول کمال‌گرایی، حفظ بنیان خانواده و رعایت حقوق فردی تعادل برقرار کند (مقدسی، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

### ۱-۱. اصل کمال‌گرایی

اصل کمال‌گرایی در سیاست کیفری ایران، ناظر بر ارتقای اخلاقی، اصلاح رفتار مجرمان و دستیابی به جامعه‌ای سالم و متعادل از حیث ارزش‌های انسانی است. مبنای این اصل بر این اندیشه استوار است که هدف حقوق کیفری نباید صرفاً سرکوب جرم، بلکه هدایت و بازسازی اخلاقی فرد و جامعه باشد. بر اساس این دیدگاه، غایت نهایی سیاست کیفری در جرائم خانوادگی، دستیابی به خانواده‌ای متعادل، ایمن و مبتنی بر فضیلت است؛ خانواده‌ای که در آن، رفتارهای خشونت‌آمیز، سلطه‌گرانه یا غیرانسانی از طریق آموزش، بازپروری و اصلاح نگرش‌های فرهنگی ریشه‌کن شود. در حقوق کیفری ایران، مؤلفه‌های کمال‌گرایی در متون قانونی مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از خانواده نمود یافته است؛ به‌گونه‌ای که قانون‌گذار با هدف صیانت از بنیان خانواده، علاوه بر تعیین ضمانت اجراهای کیفری، به ابعاد فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی جرم نیز توجه کرده است (کرمانیان و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۵). اصلاح مجرمان، بازپروری و بازگشت آنان به نظم اخلاقی خانواده از اصول محوری سیاست کیفری به شمار می‌رود. هرچند اندیشه‌های کلاسیکی همچون نظریه سزار بکاریا در قرن هجدهم، زمینه‌ساز تحول در نگرش به عدالت کیفری بودند، اما دیدگاه او نسبت به تناسب مجازات با جرم، امروزه در پرتو نظریات نوین جرم‌شناسی و عدالت‌پژوهی بازخوانی می‌شود. در رویکردهای معاصر، اندیشمندانی چون هربرت پکر با طرح «مدل بازپروری و عدالت ترمیمی» و جان برایت‌ویت با نظریه «شرمساری بازپذیرکننده»، بر این باورند که کارکرد واقعی سیاست کیفری باید بر بازسازی رابطه میان بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه متمرکز باشد. این دیدگاه‌ها با اصل کمال‌گرایی در سیاست کیفری ایران هم‌سو هستند، زیرا هر دو بر ضرورت اصلاح درونی و اخلاقی فرد تأکید دارند؛ نه صرفاً بر مجازات یا طرد او. از منظر حقوق داخلی نیز می‌توان گفت که سیاست کیفری در ایران، با الهام از اصول اخلاقی اسلام و مبنای عدالت‌محور فقه جزایی، واجد رویکردی کمال‌گرایانه است (گلچین و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۲۰). آموزه‌های فقهی در باب توبه، اصلاح ذات‌البین و رفع خصومت خانوادگی، مؤید آن است که

هدف نهایی در مواجهه با جرائم خانوادگی، نه صرفاً مجازات، بلکه تحقق عدالت ترمیمی و بازگشت خانواده به وضعیت سالم اخلاقی و اجتماعی است. در نهایت، با تلفیق آموزه‌های دینی، اخلاقی و نظریات نوین سیاست کیفری، می‌توان گفت که اصل کمال‌گرایی در نظام کیفری ایران، الگویی متوازن میان حفظ کرامت انسانی، پیشگیری از جرم و بازپروری اخلاقی بزهدار ارائه می‌دهد (تاج خراسانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۷).

میشل فوکو،<sup>۱</sup> فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس فرانسوی، یکی از تأثیرگذارترین متفکران قرن بیستم بود. آثار فوکو عمدتاً، به بررسی رابطه قدرت، دانش و کنترل اجتماعی در جوامع مدرن اختصاص دارد. او در کتاب‌هایی مانند: نظم و انضباط و مجازات<sup>۲</sup> و «تاریخ جنون»<sup>۳</sup> به تحلیل تاریخچه مجازات، مراقبت و نحوه استفاده از قدرت برای کنترل افراد و جامعه پرداخته است. از دیدگاه فوکو، قدرت نه تنها توسط دولت، بلکه از طریق نهادهای اجتماعی، مذهبی و علمی اعمال می‌شود. دانش (مانند قوانین، هنجارها و ارزش‌ها) ابزار اصلی برای کنترل افراد و شکل‌دهی رفتار آن‌ها است. فوکو معتقد است که جوامع مدرن از طریق مکانیزم‌هایی مانند نظارت، آموزش و قوانین، رفتار افراد را به شیوه‌ای منظم کنترل می‌کنند؛ برای مثال: مدارس، بیمارستان‌ها و زندان‌ها به عنوان نهادهایی که برای انضباط و کنترل طراحی شده‌اند. فوکو بر این باور است که هدف اصلی مجازات در جوامع مدرن، نه انتقام، بلکه اصلاح و کنترل رفتار افراد است. فوکو استدلال می‌کند که جوامع مدرن به جوامعی انضباطی تبدیل شده‌اند، جایی که قدرت از طریق نظارت مداوم و قوانین سختگیرانه اعمال می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۹۵: ۱۵۸). اصول کمال‌گرایی می‌توانند ابزاری برای کنترل اجتماعی باشند که از طریق قوانین و هنجارها، رفتار افراد را در راستای اهداف اخلاقی و اجتماعی هدایت می‌کنند؛ به عنوان مثال: سیاست‌هایی که به نام «ترویج اخلاق عمومی» تدوین می‌شوند. از دیدگاه فوکو، کمال‌گرایی دولت‌مدار می‌تواند منجر به تحمیل ارزش‌های اخلاقی خاصی به جامعه شود که به نفع گروه‌های قدرت است. فوکو معتقد است که نهادهای اجتماعی (مانند دولت، مدارس و خانواده) از کمال‌گرایی برای نظارت بر رفتار افراد استفاده می‌کنند. از دیدگاه فوکو، تعریف جرائم خانوادگی اغلب بازتاب‌دهنده ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی گروه‌های قدرت است؛ به عنوان مثال: جرم‌انگاری رفتارهایی مانند: خیانت یا نافرمانی زنان بر اساس ارزش‌های پدرسالارانه. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش کلیدی در نظارت و کنترل رفتار اعضای خود ایفا می‌کند (صیادمصور، ۱۳۹۹: ۱۳۴). در نظام‌های دولت‌مدار، دولت معمولاً رفتارهایی مانند خشونت خانگی، عدم رعایت ارزش‌های دینی یا اخلاقی در خانواده را جرم‌انگاری

1. Michel Foucault
2. Discipline and Punish
3. History of Madness

می‌کند؛ به عنوان مثال: در ایران، بسیاری از قوانین مرتبط با جرائم خانوادگی بر مبنای اصول دینی تدوین شده‌اند که نشان‌دهنده رویکرد دولت‌مدار است (محمدی فرد، ۱۳۹۶: ۱۰). از منظر تطبیقی و در چارچوب سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران، می‌توان تجلی عینی دیدگاه فوکو را در سه سطح اجتماعی، نهادی و جرم‌شناختی مورد شناسایی قرار داد. نخست، در سطح اجتماعی و فرهنگی، بازتولید مستمر نقش‌های سنتی جنسیتی در قالب هنجارها و انتظارات اجتماعی، نمود روشنی از انضباط و کنترل اخلاقی در بستر کمال‌گرایی فرهنگی است. فشارهای عرفی بر زنان در جهت ایفای نقش‌های مطیعانه در خانواده، محدودیت‌های اجتماعی در روابط پیش از ازدواج، و بازنمایی رسانه‌ای از الگوی مرد اقتدارگرا و زن تابع، همگی مصادیقی از کارکرد انضباطی قدرت در بستر خانواده محسوب می‌شوند (دهدست، ۱۴۰۳: ۱۲۲). در سطح نهادی و سیاست‌گذاری عمومی نیز، نهادهایی همچون وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از رهگذر سیاست‌های فرهنگی و آموزشی خویش، نقش مؤثری در هدایت رفتارهای فردی و خانوادگی ایفا می‌کنند. مقرراتی نظیر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و طرح‌هایی مانند صیانت از فضای مجازی را می‌توان تجلی آشکار سیاست‌های انضباطی دولت‌مدار دانست که در راستای تحکیم نظم اخلاقی و صیانت از بنیان خانواده به‌کار گرفته می‌شوند (صابریان، ۱۳۸۳: ۳۳). در نهایت، در بُعد جرم‌شناختی و قضایی، افزایش چشمگیر پرونده‌های مرتبط با خشونت خانگی، تمرد از شوهر و بدحجابی، به‌روشنی بازتاب استمرار گفتمان پدرسالارانه و انضباطی در سیاست کیفری ایران است. چنین رویکردی با تحلیل فوکویی از قدرت و دانش همخوانی دارد؛ بدین معنا که قدرت از طریق نهادهای حقوقی و اجتماعی اعمال شده و در پوشش اصول کمال‌گرایی و اخلاق‌گرایی دولت‌مدار، به تنظیم و نظارت بر رفتارهای فردی و خانوادگی می‌پردازد. قوانین مبتنی بر کمال‌گرایی می‌توانند به کاهش خشونت و رفتارهای ناهنجار خانوادگی کمک کنند. هر دو رویکرد می‌توانند با ترویج ارزش‌های اخلاقی، به کاهش رفتارهای آسیب‌زا در خانواده‌ها منجر شوند. نشانه‌های رویکرد جامعه‌محور در ایران عبارتند از: سازمان‌های غیردولتی در ایران نقش مهمی در حمایت از زنان قربانی خشونت خانگی ایفا می‌کنند. استفاده از مشاوره‌های خانوادگی و میانجی‌گری در دادگاه‌ها، بخشی از رویکرد جامعه‌محور است (قماش، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

## ۲-۱. اصل اخلاق‌گرایی

اخلاق‌گرایی در حقوق کیفری به تئوری‌هایی اشاره دارد که در آن‌ها، قوانین کیفری و سیاست‌های مربوط به جرم‌انگاری بر اساس اصول اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی خاص جامعه شکل می‌گیرند. این دیدگاه بر این اعتقاد استوار است که جامعه باید از قانون به عنوان

ابزاری برای ترویج رفتارهای اخلاقی استفاده کند. از این منظر، جرائم نه تنها از نظر آسیب‌های مستقیم به افراد یا جامعه، بلکه از دیدگاه نقض هنجارها و ارزش‌های اخلاقی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند (مرادی، ۱۳۹۷: ۲۷۰). هدف اصلی، حفظ اخلاق عمومی است و برای حفظ آن، قوانین و مجازات‌ها باید با استانداردهای اخلاقی هم‌راستا باشند. در نظام حقوقی ایران، که به شدت تحت تأثیر اصول دینی و اخلاقی اسلام قرار دارد، اصل اخلاق‌گرایی نقش مهمی در تدوین و اجرای قوانین کیفری ایفا می‌کند. قوانین و مجازات‌ها معمولاً، برای تأمین امنیت اجتماعی و همچنین، ترویج ارزش‌های اخلاقی جامعه تدوین می‌شوند. از جمله مصادیق اخلاق‌گرایی در حقوق کیفری ایران می‌توان اشاره کرد: روابط خارج از ازدواج به‌عنوان جرم در نظر گرفته شده است، زیرا با اصول اخلاقی جامعه ایرانی، که براساس ارزش‌های اسلامی شکل گرفته، مغایرت دارد (کیانی، ۱۳۹۳: ۲۰). اصل اخلاق‌گرایی در سیاست‌های کیفری می‌تواند تأثیرات مثبتی بر تحلیل و مقابله با جرائم خانوادگی بگذارد. در این زمینه، قوانین کیفری ایران سعی دارند رفتارهایی مانند خشونت خانگی، قتل‌های ناموسی و بی‌احترامی به حقوق زنان را با استناد به اصول اخلاقی و دینی جرم‌انگاری کنند (موسوی‌فر، ۱۳۹۳: ۲۱). از منظر مصادیقی، جلوه‌های اصل اخلاق‌گرایی در نظام کیفری ایران را می‌توان در چند محور اساسی مشاهده کرد: نخست، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بسیاری از جرائم از جمله «زنا» (مواد ۲۲۱ تا ۲۲۷)، «کذب» (مواد ۲۴۵ تا ۲۵۰) و «شرب خمر» (مواد ۲۶۴ تا ۲۶۸)، مستقیماً بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و دینی جرم‌انگاری شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که هدف از آن، نه صرفاً صیانت از نظم عمومی، بلکه پاسداری از «طهارت اخلاقی جامعه» است. دوم، در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، رویکرد اخلاق‌گرایانه در مواد مربوط به حمایت از حقوق همسر و منع خشونت علیه زنان دیده می‌شود؛ این قانون با هدف تحکیم بنیان خانواده و حفظ حرمت روابط خانوادگی تصویب شده است. سوم، در لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۴۰۰) نیز گرایش آشکاری به تلفیق اخلاق‌گرایی با سیاست کیفری مشاهده می‌شود؛ این لایحه ضمن جرم‌انگاری رفتارهایی مانند تحقیر، تهدید یا اجبار زنان، بر «صیانت از کرامت انسانی و اخلاق عمومی» تأکید دارد. افزون بر این، در آیین‌نامه‌های سازمان زندان‌ها نیز، بازپروری اخلاقی و اصلاح رفتار زندانیان از طریق آموزش‌های دینی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است.

لرد دولین<sup>۱</sup> یکی از مدافعان برجسته اخلاق‌گرایی قانونی است و معتقد است که اخلاق عمومی باید مبنای قانون‌گذاری باشد. او در پاسخ به نظریه هارت که از تفکیک حقوق و اخلاق دفاع می‌کرد، استدلال می‌کند که:

1. Lord Patrick Devlin

اولاً، اخلاق عمومی، ستون اصلی نظم اجتماعی است و اگر نقض شود، جامعه در خطر فروپاشی قرار می‌گیرد.

ثانیاً، اگر رفتار فردی به اخلاق عمومی آسیب برساند، جامعه حق دارد آن را از طریق قانون محدود کند؛ حتی اگر به طور مستقیم به دیگران آسیب نرساند.

ثالثاً، حتی رفتارهای خصوصی که با اصول اخلاقی عمومی در تضاد هستند (مانند برخی از روابط جنسی)، می‌توانند جرم‌انگاری شوند؛ زیرا بر بنیان‌های اخلاقی جامعه تأثیر می‌گذارند (نجفی کلیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲۶).

سیاست‌های کیفی ایران عمدتاً، بر اصول اخلاق‌گرایانه و ترویج ارزش‌های اسلامی بنا شده‌اند و برخی رفتارهای خانوادگی مانند خیانت و روابط خارج از ازدواج جرم‌انگاری شده‌اند. این رویکرد با نظریه دولین همخوانی دارد که محدودیت آزادی‌های فردی را در صورت تهدید اخلاق عمومی، مجاز می‌داند. با این حال، در جوامع چندفرهنگی یا متنوع از نظر اخلاقی، چنین سیاست‌هایی ممکن است به نقض حقوق فردی و مقاومت در برابر قوانین کیفی خانواده منجر شود (غلامی و حسین زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۰). تأکید بیش از حد بر اخلاق‌گرایی ممکن است به تقویت ساختارهای پدرسالارانه منجر شود که در آن، حقوق زنان و کودکان نادیده گرفته شود. بر اساس نظریه دولین، خشونت خانوادگی به دلیل تأثیری که بر اخلاق عمومی و نظم اجتماعی دارد، باید به شدت جرم‌انگاری شود.

### ۳-۱. اصل فضیلت‌گرایی

یکی از دیدگاه‌های فلسفی و اخلاقی است که بر اهمیت فضایل اخلاقی تأکید دارد و باور دارد که هدف زندگی انسانی، رشد فضایل درونی مانند صداقت، شجاعت، بخشش و انصاف است. در این دیدگاه، ارزیابی رفتارهای انسان‌ها نه بر اساس پیروی از دستورالعمل‌های قانونی، بلکه بر اساس توسعه ویژگی‌های اخلاقی فرد صورت می‌گیرد. در حقوق کیفری، فضیلت‌گرایی بر این تأکید دارد که قانون باید به ترویج فضایل اخلاقی در جامعه بپردازد و مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشند که هدف نهایی آن‌ها، اصلاح فردی و ارتقای فضایل اخلاقی افراد باشد. برخلاف رویکردهای مبتنی بر نتیجه‌گرایی یا قوانین سلبی، فضیلت‌گرایی به‌طور فعالانه به دنبال رشد اخلاقی افراد از طریق اعمال قانون است (قادرزاده، ۱۴۰۳: ۱۸۷). برخلاف مجازات‌های صرفاً تنبیهی، در فضیلت‌گرایی، هدف از مجازات، ایجاد تغییرات مثبت در شخصیت فرد و ارتقاء رفتارهای اخلاقی است؛ به‌عنوان مثال، در جرائم خانوادگی مانند خشونت خانگی، مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشند که فرد را به بازسازی روابط خانوادگی و احترام به حقوق دیگران وادار کنند. در جرائم خانوادگی، به‌ویژه خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی، فضیلت‌گرایی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بازسازی روابط خانوادگی و تقویت

احترام متقابل میان اعضای خانواده به کار رود. در نظام حقوقی ایران، مجازات‌ها معمولاً هدف تنبیهی دارند، اما از دیدگاه فضیلت‌گرایی، باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به‌جای تنبیه صرف، به ارتقای فضایل اخلاقی فرد منجر شوند؛ به‌ویژه در جرائم خانوادگی، به جای مجازات‌های سخت‌گیرانه، استفاده از برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی می‌تواند به اصلاح رفتار فرد و تقویت روابط خانوادگی کمک کند. ارسطو در کتاب «اخلاق نیکوماخوس» بر این باور است که اخلاق باید بر اساس فضیلت باشد. او معتقد است که هر انسانی باید برای دستیابی به زندگی خوب یا سعادت تلاش کند، که از طریق عمل به فضایل حاصل می‌شود. ارسطو بر اصل اعتدال یا «حد وسط» تأکید دارد، به این معنا که فضیلت میان دو افراط و تفریط قرار دارد. در سیاست‌های کیفری، عدالت توزیعی ارسطو می‌تواند به معنای توزیع عادلانه مجازات‌ها و منابع برای بازپروری و حمایت از قربانیان باشد (کبیری، ۱۴۰۳: ۸۵)؛ به عنوان مثال: در جرائم خانوادگی، سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که حمایت عادلانه‌ای از زنان، کودکان و حتی مرتکبان ارائه شود. سیاست‌های کیفری می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای ترویج فضایل اخلاقی در جامعه عمل کنند. بر اساس اصل «حد وسط» ارسطو، قوانین کیفری باید میان سخت‌گیری بیش از حد و تساهل بی‌رویه تعادل برقرار کنند.

## ۲. نقش اصل لذت‌گرایی و فایده‌گرایی در سیاست‌گذاری کیفری جرائم خانوادگی

اصل لذت‌گرایی<sup>۱</sup> بر این اصل استوار است که لذت، هدف نهایی و برترین ارزش زندگی انسانی است و هر عملی باید بر اساس میزان لذت یا کاهش درد ارزیابی شود. در حوزه حقوق کیفری، لذت‌گرایی بر این باور است که قوانین و مجازات‌ها باید به کاهش درد و رنج و افزایش خوشایندی و رضایت در جامعه منجر شوند.

اصل فایده‌گرایی<sup>۲</sup> یک نظریه اخلاقی است که بر بیشترین خوشبختی برای بیشترین تعداد افراد تأکید دارد. این نظریه از اصول لذت‌گرایی بهره می‌برد، اما تمرکز آن بر لذت جمعی است؛ نه صرفاً، لذت فردی.

لذت‌گرایی فردمحور است، در حالی که فایده‌گرایی جمع‌محور است. لذت‌گرایی بر احساسات و تجربه‌های فردی تأکید دارد، اما فایده‌گرایی بر نتایج کلی در جامعه متمرکز است. در چارچوب لذت‌گرایی، مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هزینه ارتکاب جرم برای مرتکب بیشتر از لذتی باشد که از ارتکاب جرم به دست می‌آورد. وقتی مجازات‌ها به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از خشونت خانوادگی استفاده می‌شوند، کل جامعه از افزایش امنیت و کاهش جرائم خانوادگی بهره‌مند می‌شود. سیاست‌های کیفری باید به کاهش آسیب‌های ناشی

1. Hedonism  
2. Utilitarianism

از خشونت خانگی، قتل‌های ناموسی و سایر جرائم خانوادگی کمک کنند. (مقدسی و روستائی، ۱۴۰۳: ۱۴۸)؛ به عنوان مثال: ارائه حمایت‌های روانی و اجتماعی به قربانیان خشونت خانوادگی. لذت‌گرایی تأکید دارد که مجازات‌ها باید هزینه‌های جرم را برای مرتکبان افزایش دهند تا از لذت ارتکاب جرم فراتر برود. فایده‌گرایی تأکید دارد که سیاست‌های کیفری باید نه تنها برای مجازات، بلکه برای پیشگیری از وقوع جرم طراحی شوند. جرمی بنتام<sup>۱</sup> نظریه‌پرداز اصلی فایده‌گرایی بود و معتقد بود که قوانین باید برای ایجاد بیشترین لذت و کاهش بیشترین درد در جامعه تدوین شوند. بنتام پیشنهاد می‌کرد که سیاست‌های کیفری باید به طور خاص، بر بازدارندگی عمومی و اصلاح مرتکبان متمرکز شوند که می‌تواند در مقابله با خشونت خانوادگی مؤثر باشد (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۲: ۱۴۶). جان استوارت میل بر این باور بود که کیفیت لذت نیز باید در نظر گرفته شود و برخی لذت‌ها ارزش بیشتری نسبت به دیگران دارند. میل تأکید داشت که قوانین باید حقوق فردی را در کنار منافع جمعی حفظ کنند که در سیاست‌های کیفری مرتبط با جرائم خانوادگی بسیار حائز اهمیت است (سلیمان پور و حیدری، ۱۳۹۱: ۹۷). در نظام حقوقی ایران، برخی مجازات‌ها با رویکرد لذت‌گرایی و فایده‌گرایی طراحی شده‌اند تا رنج قربانیان کاهش یافته و رفاه و امنیت جامعه افزایش یابد. ترکیب این اصول می‌تواند به کاهش جرائم خانوادگی و تقویت عدالت اجتماعی کمک کند، هرچند قوانین غالباً بر مبنای اخلاق‌گرایی دینی تدوین شده و گاهی با اصول لذت‌گرایی یا فایده‌گرایی تضاد دارد. ریشه لذت‌گرایی اخلاقی در فلسفه اپیکور است که بر دنبال‌کردن لذت پایدار و اجتناب از رنج تأکید دارد.

در نظام حقوقی ایران، جلوه‌های عملی اصل لذت‌گرایی و فایده‌گرایی در سیاست‌های کیفری مرتبط با جرائم خانوادگی قابل مشاهده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات‌هایی مانند پرداخت دیه برای ضرب و جرح و تعیین حد و قصاص، همواره با هدف کاهش رنج قربانی و ارتقای عدالت کیفری طراحی شده‌اند؛ به عنوان مثال، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است که هر کس در اماکن عمومی یا معابر، اطفال یا زنان را مورد تعرض یا آزار قرار دهد، به حبس و شلاق محکوم می‌شود؛ این مجازات به طور مستقیم، در راستای کاهش آسیب و افزایش امنیت جامعه است (رضاپور، ۱۴۰۲: ۱۴۱). دوم، در قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱) و لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۴۰۰)، سیاست‌های بازدارنده و حمایتی نظیر تعیین ممنوعیت ورود به منزل و اقدامات پیشگیرانه قضایی، با هدف کاهش رنج قربانیان خشونت خانگی و ارتقای رفاه اعضای خانواده تدوین شده‌اند. این قوانین نشان می‌دهند که اصل لذت‌گرایی و فایده‌گرایی در طراحی سیاست‌ها به کار گرفته شده و

1. Jeremy Bentham

تأکید بر «کاهش درد و رنج» و «افزایش رفاه جمعی» دارد. علاوه بر آن، اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی برای خانواده‌ها و مرتکبان خشونت، نمونه‌ای از تلفیق فلسفه لذت‌گرایی و فایده‌گرایی در عمل است؛ این برنامه‌ها با هدف پیشگیری از خشونت و افزایش رفاه روانی و اجتماعی اعضای خانواده طراحی شده‌اند (استادهاشم، ۱۴۰۱: ۶۷). حتی در مواردی که قوانین با اصول فایده‌گرایی یا لذت‌گرایی همسو هستند (مانند قوانین حمایت از زنان و کودکان در خشونت خانگی)، ضعف در اجرا و نظارت می‌تواند به کاهش اثربخشی آن‌ها منجر شود. اجرای سیاست‌های مبتنی بر فایده‌گرایی، مانند عدالت ترمیمی یا برنامه‌های بازپروری، نیازمند زیرساخت‌هایی مانند مراکز مشاوره، پناهگاه‌ها و آموزش عمومی است که به طور کامل، در ایران وجود ندارد. فایده‌گرایی قواعد<sup>۱</sup> این رویکرد بر طراحی قوانین کلی تأکید دارد که بیشترین منفعت را در بلندمدت ایجاد کنند در این دیدگاه، حتی اگر یک قانون در یک مورد خاص نتیجه مطلوبی نداشته باشد، اما اگر به طور کلی، به خیر عمومی منجر شود، ارزشمند است. یکی از جنبه‌های جدید فایده‌گرایی در سیاست‌های کیفری، تحلیل هزینه و فایده<sup>۲</sup> است. یکی از انتقادات جدید به فایده‌گرایی این است که در برخی موارد، این رویکرد ممکن است حقوق فردی را فدای منفعت جمعی کند (کاظمی و قاسمی، ۱۴۰۲: ۱۳۸). در برخی از پرونده‌های خانوادگی، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که به ظاهر، به نفع کل خانواده است، اما حقوق فردی قربانی را نادیده می‌گیرد. ارزیابی دقیق پیامدهای بلندمدت یک سیاست کیفری، مانند اجرای عدالت ترمیمی یا تغییر در مجازات‌ها، ممکن است دشوار باشد.

### ۳. اصل پدرسالاری و تاثیر آن بر سیاست‌های کیفری جرائم خانوادگی

اصل پدرسالاری<sup>۳</sup> یک نظام اجتماعی است که در آن، قدرت و اختیار در دست مردان قرار دارد و ساختار خانواده، جامعه و نهادهای اجتماعی بر اساس این سلسله‌مراتب قدرت طراحی شده‌اند. در این نظام: مردان به‌عنوان سرپرست و تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده و جامعه شناخته می‌شوند. زنان و کودکان در موقعیت فرودست قرار گرفته و به طور معمول، از قدرت و حقوق کمتری برخوردار هستند. در نظام پدرسالاری، زنان اغلب به‌عنوان «مالکیت» مردان تلقی می‌شوند که این نگرش منجر به رفتارهای کنترلی و خشونت‌آمیز می‌شود (پورنقاش تهرانی، ۱۳۹۷: ۶۰). در جوامع پدرسالار، شرافت و آبروی خانواده اغلب با رفتارهای زنان مرتبط است و هرگونه انحراف از هنجارهای اخلاقی می‌تواند با خشونت شدید، از جمله قتل، مواجه شود. در برخی مناطق ایران، قتل زنان به دلایل ناموسی همچنان رخ می‌دهد و این اقدامات اغلب بر اساس ارزش‌های پدرسالارانه توجیه می‌شوند. کودکان در نظام پدرسالاری

1. Rule Utilitarianism
2. Cost-Benefit Analysis
3. Patriarchy

معمولاً، در موقعیتی فرودست قرار دارند و خشونت علیه آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای تنبیه یا کنترل رفتار تلقی می‌شود. در برخی پرونده‌ها، توجیحات فرهنگی و اجتماعی مرتبط با پدرسالاری باعث تخفیف مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی شده است. برای مقابله با تأثیرات منفی پدرسالاری، نظام حقوقی ایران نیازمند بازنگری در قوانین مرتبط با خشونت خانگی و جرم‌انگاری قتل‌های ناموسی است (تبریزی؛ صابری؛ فرزام مهر، ۱۴۰۳: ۳۰۹). کیت میلِت<sup>۱</sup> یکی از پیشگامان نظریه‌های فمینیستی رادیکال، مفهوم پدرسالاری را در کتاب مشهور خود «سیاست جنسی»<sup>۲</sup> مطرح کرد. او پدرسالاری را به‌عنوان یک نظام سلطه و سرکوب تحلیل کرد که روابط میان زنان و مردان را بر پایه نابرابری ساختاری سازماندهی می‌کند. مردان کنترل اقتصادی را در دست دارند و زنان به نقش‌های خانگی محدود می‌شوند. ارزش‌های فرهنگی و مذهبی معمولاً، برای تقویت نقش‌های سنتی جنسیتی طراحی شده‌اند. میلِت معتقد است که کنترل بر بدن و تمایلات جنسی زنان یکی از ابزارهای اصلی پدرسالاری است (نجفی توانا و جمشیدی، ۱۴۰۲: ۲۳۰)؛ به‌عنوان مثال: قوانینی که رفتار جنسی زنان را محدود می‌کنند یا خشونت جنسی را توجیه می‌کنند. خشونت، از جمله خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی، ابزاری است که در نظام پدرسالاری برای حفظ سلطه مردان بر زنان استفاده می‌شود. میلِت تأکید می‌کند که پدرسالاری از طریق آموزش، رسانه‌ها و ادبیات به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و هنجارهای نابرابر جنسیتی را تقویت می‌کند. در نظام حقوقی ایران، پدرسالاری با محدود کردن حقوق زنان و حفظ سلطه مردان در خانواده قابل مشاهده است. با وجود قوانینی مانند قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱) و لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۴۰۰)، بسیاری از خشونت‌های روانی، اقتصادی و محدودیت اشتغال زنان و کودکان جرم‌انگاری نشده‌اند. کنترل اجتماعی و قانونی بر روابط جنسی و ازدواج، مانند جرم‌انگاری زنا و رویه‌های قضایی مبتنی بر ارزش‌های سنتی، نقش مردان را به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی خانواده تثبیت می‌کند. اصلاح این وضعیت نیازمند بازنگری قوانین، جرم‌انگاری کامل خشونت‌های خانگی و تقویت حمایت از قربانیان بر اساس اصول عدالت جنسیتی است (پورعبداله و رنگچی طهرانی، ۱۳۹۶: ۶۴). با این حال، اصلاح ساختارهای قانونی و اجتماعی، همراه با تغییر نگرش‌های فرهنگی، می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی پدرسالاری بر جرائم خانوادگی و خشونت علیه زنان و کودکان کمک کند. هاوارد بکر<sup>۳</sup> یکی از جامعه‌شناسان برجسته آمریکایی است که نظریه برچسب‌زنی را در کتاب خود با عنوان بیگانگان مطرح کرد. بکر در این نظریه بر نقش جامعه در تعریف رفتارهای انحرافی تأکید می‌کند و انحراف را نتیجه فرآیندهای اجتماعی می‌داند، نه

1. Kate Millett  
2. Sexual Politics  
3. Howard Becker

صرفاً عمل فرد. بکر معتقد است که انحراف چیزی نیست که ذاتاً، در رفتار افراد وجود داشته باشد، بلکه نتیجه «برچسب‌هایی» است که جامعه به رفتار یا افراد خاصی می‌زند. انحراف زمانی شکل می‌گیرد که یک عمل یا فرد توسط دیگران به‌عنوان «منحرف» برچسب بخورد. انحراف اولیه رفتارهایی که ممکن است هنجارشکن باشند، اما توسط جامعه شناسایی نشده‌اند (کبیری، ۱۴۰۳: ۷۹). انحراف ثانویه زمانی که فرد به دلیل برچسب‌زنی جامعه، نقش انحرافی خود را می‌پذیرد و در آن مسیر حرکت می‌کند. بکر تأکید دارد که گروه‌های دارای قدرت اجتماعی و فرهنگی (مانند مردان در نظام‌های پدرسالارانه) برچسب‌ها را تعریف و اعمال می‌کنند. نظام پدرسالاری، با دراختیارداشتن قدرت اجتماعی و فرهنگی، نقش اساسی در تعیین هنجارها و انحرافات ایفا می‌کند. در این نظام، رفتارهای زنان و کودکان اغلب تحت کنترل و نظارت شدید قرار می‌گیرد و هرگونه انحراف از هنجارهای پدرسالارانه می‌تواند منجر به برچسب‌زنی شود. در جوامع پدرسالار، رفتارهای زنان به‌شدت بر اساس معیارهای اخلاقی و هنجارهای فرهنگی ارزیابی می‌شود؛ به‌عنوان مثال: زنی که به حقوق خود اعتراض می‌کند یا از نقش‌های سنتی جنسیتی خارج می‌شود، ممکن است به‌عنوان «نافرمان» یا «بی‌اخلاق» برچسب بخورد. زنان به‌دلیل رفتارهایی که به‌عنوان «بی‌ناموسی» یا «تخطی از شرافت خانوادگی» شناخته می‌شوند، قربانی خشونت می‌شوند. برچسب‌هایی مانند «نابخشودنی» یا «شرمسار خانواده» می‌توانند توجیهی برای قتل‌های ناموسی ایجاد کنند. در نظام‌های پدرسالار، کودکان نیز بر اساس هنجارهای تعیین‌شده ارزیابی می‌شوند. برچسب‌هایی مانند «سرکش» یا «ناموفق» می‌توانند تأثیر منفی بر آینده کودکان داشته باشند (یزیدیان جعفری و خیرمند، ۱۴۰۲: ۸۸). کودکان در خانواده‌های پدرسالار اغلب شاهد خشونت و برچسب‌زنی هستند و این تجربه می‌تواند به بازتولید چرخه خشونت و انحراف در نسل‌های بعدی منجر شود. قتل‌های ناموسی اغلب بر اساس برچسب‌هایی مانند «زن بی‌آبرو» یا «تخطی‌گر از ارزش‌های خانوادگی» توجیه می‌شوند. نظریه برچسب‌زنی هاوارد بکر نشان می‌دهد که چگونه برچسب‌هایی که از سوی نظام پدرسالاری تعریف و اعمال می‌شوند، به خشونت‌های خانگی و قتل‌های ناموسی مشروعیت می‌بخشند (جهانی جناقرد، ۱۳۹۹: ۹۰۶). در نظام حقوقی ایران، این برچسب‌ها گاهی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در قوانین و سیاست‌های کیفری بازتاب پیدا می‌کنند.

#### ۴. چالش‌های اصل ضرر در جرائم خانوادگی

اصل ضرر یکی از مفاهیم بنیادین حقوق و فلسفه حقوق است که بر اساس آن، مداخله دولت یا نظام کیفری در آزادی‌های افراد تنها زمانی موجه است که اقدام یا رفتار فرد به دیگران زیان وارد کند. این اصل، که در آثار جان استوارت میل و بعدها، در نظام‌های حقوقی مختلف توسعه یافته، پایه‌ای برای تعیین حدود جرم‌انگاری و مداخله کیفری به‌شمار می‌آید. در نظام

حقوقی ایران، با توجه به تأثیرپذیری از شریعت اسلامی، سیاست کیفری ترکیبی از اصول شرعی، اخلاقی و حقوقی است (روستایی، ۱۳۹۴: ۶۸).

سیاست کیفری ایران در جرائم خانوادگی سه محور اصلی دارد:

۱. خانواده به‌عنوان بنیان اجتماعی مهم شناخته شده و قانون‌گذار با قوانین حمایتی مانند قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و اصول ۱۰ و ۳۱ قانون اساسی، از اعضای خانواده محافظت می‌کند.

۲. در جرائمی مانند ضرب و جرح، تهدید و سوءاستفاده جنسی، سیاست کیفری بر حمایت از قربانیان متمرکز است و مجازات‌های تعزیری و دیه پیش‌بینی شده است (مواد ۶۱۴ و ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی).

۳. در جرائم با آثار اجتماعی گسترده مانند کودک‌آزاری یا همسرکشی، مجازات تشدید شده و تعقیب بدون شکایت خصوصی ممکن است (مواد ۲ و ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان) (روستایی، ۱۳۹۴: ۵۶).

سیاست کیفری ایران مداخله در مسائل خانوادگی را تا جایی که ممکن است، محدود می‌کند و سعی دارد حریم خصوصی خانواده‌ها را حفظ کند. در بسیاری از موارد، قانون‌گذار تلاش می‌کند با راه‌حل‌های غیرکیفری مانند میانجی‌گری و صلح (مواد ۸۲ و ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، مسائل خانوادگی را حل کند. با این حال، گاهی اصل ضرر با اصول اخلاقی و مذهبی حاکم بر جامعه ایرانی در تعارض قرار می‌گیرد (سوهانیان حقیقی و فیضی، ۱۴۰۱: ۱۱). در برخی جرائم مانند خشونت روانی یا عاطفی، شناسایی و اثبات ضرر دشوار است که این موضوع می‌تواند اجرای سیاست کیفری را با مشکل مواجه کند.

پاتریک دیلند معتقد بود قانون باید از ارزش‌های اخلاقی جامعه حمایت کند و حتی رفتارهای بدون زیان مستقیم را می‌توان جرم‌انگاری کرد. قانون‌گذاری کیفری ایران، به‌ویژه در حوزه خانواده، تحت تأثیر این رویکرد است؛ مانند جرم‌انگاری روابط نامشروع و ترک انفاق که بر حفظ نظم و ارزش‌های اخلاقی و دینی تأکید دارند. با این حال، تعیین «ضرر» در جرائم خانوادگی با چالش مواجه است؛ زیرا ضررهای عاطفی، روانی و حیثیتی خانواده معمولاً، با معیارهای سنتی کیفری قابل احراز نیستند و برخی اشکال خشونت خانگی از حمایت کافی برخوردار نمی‌شوند (حسنی زاده، ۱۴۰۴: ۵۷۶). سیاست کیفری ایران با تأثیر از فقه، بین ضرر خصوصی و اجتماعی تمایز قائل است؛ جرائمی مانند ترک انفاق و سوءرفتار با همسر ضرر خصوصی و منوط به شکایت بزه‌دیده هستند؛ در حالی که کودک‌آزاری و قتل خانوادگی به دلیل آثار اجتماعی، جرائم عمومی محسوب می‌شوند. قانون‌گذار در تعارض میان اصل ضرر و مصالح عمومی، غالباً حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی را مقدم می‌داند. با این حال، اثبات ضرر،

به‌ویژه در خشونت روانی، دشوار است و حمایت از قربانیان محدود می‌شود؛ بنابراین، بازنگری در معیارهای احراز ضرر و استفاده از ابزارهای روان‌شناختی و اجتماعی برای شناسایی ضررهای غیرمادی ضروری است.

### ۵. عدالت ترمیمی، راهبردی نوین در سیاست کیفری ایران

عدالت ترمیمی رویکردی نوین در سیاست کیفری است که به‌جای تمرکز بر مجازات، بر جبران خسارت قربانی، اصلاح مرتکب و بازگرداندن تعادل در روابط اجتماعی و خانوادگی تأکید می‌کند. این رویکرد با ایجاد گفت‌وگو و بازسازی ارتباط میان قربانی، مرتکب و جامعه، به‌ویژه در جرائم خانوادگی که در بستر روابط نزدیک و پیچیده شکل می‌گیرند، می‌تواند شیوه‌ای مؤثر برای حل اختلافات و کاهش خشونت خانگی باشد؛ زیرا صرف مجازات سنتی توانایی ترمیم این روابط را ندارد (طاهرخانی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن، قربانی می‌تواند رنج‌ها و نیازهای خود را بیان کند، مرتکب مسئولیت عملش را بپذیرد و برای جبران خسارت اقدام کند و جامعه نیز در بازسازی روابط و پیشگیری از جرم نقش دارد. در جرائم خانوادگی، این رویکرد تمرکز بر جبران مادی و معنوی آسیب‌ها دارد و شامل اقداماتی مانند پرداخت خسارت، تعهد به رفتار مناسب، بازپروری و عذرخواهی است. در ایران، عدالت ترمیمی در مواد ۸۲ و ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۶ و ۲۵ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ با میانجی‌گری، مشاوره و سازش میان زوجین به کار گرفته می‌شود و بازسازی روابط خانوادگی نقش مهمی در پیشگیری از خشونت دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌های کیفری ایران در حوزه جرائم خانوادگی عمدتاً، بر پایه ارزش‌های اخلاقی اسلامی، ساختارهای فرهنگی سنتی و اصول پدرسالارانه شکل گرفته‌اند. این رویکرد بیشتر بر حفظ انسجام خانواده متمرکز است تا حمایت مؤثر از حقوق فردی زنان و کودکان و همین امر در مواردی مانند خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی، به کاهش حمایت از قربانیان انجامیده است. کمال‌گرایی دولت‌مدار و تحمیل ارزش‌های اخلاقی خاص نیز در جرم‌انگاری برخی رفتارهای خانوادگی نقش داشته است. ضعف نهادهای اجتماعی در حمایت از قربانیان و پدیده برچسب‌زنی موجب تشدید انزوای اجتماعی و تکرار خشونت می‌شود. در مقابل، عدالت ترمیمی می‌تواند با تمرکز بر اصلاح مرتکب، کاهش برچسب‌زنی و بازسازی روابط خانوادگی، شیوه‌ای کارآمدتر باشد. همچنین، تعامل نظام حقوقی با نهادهای فرهنگی و آموزشی و آگاهی‌بخشی عمومی درباره حقوق فردی، نقشی مهم در پیشگیری از خشونت خانگی دارد. اصول اخلاق‌گرایی، فضیلت‌گرایی و فایده‌گرایی در سیاست کیفری ایران هرچند در برخی

موارد منجر به کنترل اجتماعی و محدودیت رفتارهای خصوصی شده‌اند، اما در صورت اصلاح می‌توانند در کاهش خشونت خانوادگی، ارتقای عدالت و بهبود سیاست‌های کیفری مؤثر واقع شوند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که برچسب زنی در بستر خانواده، یکی از عوامل تشدید کننده خشونت و ناکارآمدی سیاست‌های کیفری است. بسیاری از کنش‌های زنان و نوجوانان، نه بر اساس معیارهای واقعی ضرر یا تهدید اجتماعی، بلکه بر مبنای قالب‌های هنجاری پدرسالارانه و ارزش‌های سنتی برچسب‌گذاری می‌شود. این فرآیند، همان‌گونه که بکر بیان می‌کند، موجب انتقال انحراف از «مرحله اولیه» به «مرحله ثانویه» شده و فرد در اثر طرد، سرزنش یا سرپیچی از نقش‌های تحمیلی، در چرخه مداوم خشونت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، قوانین کیفری ایران نیز خواه به طور مستقیم و خواه غیرمستقیم در برخی موارد این برچسب‌ها را تقویت می‌کنند؛ مانند نادیده گرفتن خشونت روانی، تخفیف مجازات در قتل‌های ناموسی یا جرم‌انگاری شدید برخی کنش‌های زنان. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش اعتماد بزه‌دیدگان به نظام عدالت کیفری و افزایش موارد گزارش نشده خشونت خانوادگی است. بنابراین، سیاست کیفری کارآمد باید علاوه بر مداخله قانونی، به اصلاح سازوکارهای برچسب‌زنی و کاهش انگ اجتماعی در پرونده‌های خانوادگی توجه داشته باشد.

## پیشنهادها

تعریف و جرم‌انگاری دقیق انواع خشونت‌های خانوادگی از جمله خشونت روانی، اقتصادی و اجتماعی در کنار خشونت فیزیکی؛ همچنین، تدوین قوانین خاص برای پیشگیری و مقابله با قتل‌های ناموسی و حذف معافیت‌های قانونی برای مرتکبان این جرائم (مانند معافیت پدر در قتل فرزند بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی). ایجاد سازوکارهای نظارتی شفاف برای پیگیری جرائم خانوادگی و حمایت از قربانیان؛ همچنین، گسترش میانجی‌گری، جلسات خانوادگی و سایر ابزارهای عدالت ترمیمی به عنوان جایگزینی برای مجازات‌های سنتی. رسانه‌ها، نظام آموزشی و نهادهای اجتماعی باید نقش فعالی در تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به خشونت خانوادگی ایفا کنند. سیاست‌های کیفری ایران در جرائم خانوادگی باید از چارچوب‌های سختگیرانه و صرفاً مجازات‌محور فاصله بگیرد و به سمت پیشگیری، اصلاح و حمایت حرکت کند. تقویت همکاری میان قوه قضائیه، سازمان‌های حمایتی و نهادهای مردم‌نهاد برای پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی. تشویق مشارکت فعال جامعه مدنی در گزارش‌دهی، حمایت از قربانیان و آموزش عمومی؛ همچنین، طراحی سیستم‌های جامع برای حمایت از قربانیان، شامل خدمات روان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی. ایجاد خطوط تماس ۲۴ ساعته برای گزارش خشونت‌های خانوادگی و ارائه کمک فوری به قربانیان. بازنگری در قوانین و رویه‌های قضایی به منظور جلوگیری از شکل‌گیری یا تقویت برچسب‌های جنسیتی

و خانوادگی، خصوصاً در مواردی مانند «بی‌اخلاقی»، «نافرمانی» یا تخطی از نقش سنتی. ایجاد سازوکارهای حمایتی برای جلوگیری از برچسب گذاری ثانویه علیه زنان و کودکان خشونت‌دیده، مانند مجرمانه سازی پرونده‌ها، حذف مراحل غیرضروری مواجهه با مرتکب و امکان دسترسی به خدمات روان شناختی بدون انگ اجتماعی. تقویت عدالت ترمیمی با تأکید بر کاهش برچسب زنی، ترمیم روابط خانوادگی و بازگرداندن نقش فعال به بزه دیدگان در فرآیند تصمیم گیری. اصلاح متون آموزشی و رسانه ای با هدف کاهش کلیشه های پدرسالارانه و پیشگیری از تبدیل هنجارهای فرهنگی مسلط به برچسب های جرم زا در خانواده.

### منبع

- ابراهیمی لویه، سهیلا. (۱۳۹۲). بررسی ماهیت قتل‌های ناموسی و رویکرد نظام حقوق بشر نسبت به آن. پژوهش‌های حقوقی، ۱۲(۲۳)، ۱۳۸-۱۵۶.

[https://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32836.html](https://jlr.sdil.ac.ir/article_32836.html)

-استادهاشم، فاطمه. (۱۴۰۱). سیاست کیفری ایران در خصوص خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر قتل نفس. فقه جزای تطبیقی، ۲(۲)، ۶۳-۷۴.

[https://www.jccj.ir/article\\_153566.html](https://www.jccj.ir/article_153566.html)

-پورعبداله، کبری و رنگچی طهرانی، عطیه. (۱۳۹۶). پیامدهای کیفرزدایی در حوزه جرائم خانواده. پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۵(۱)، ۵۷-۶۸.

<https://www.sid.ir/paper/507961/fa>

-پورنقاش تهرانی، سید سعید؛ قلندرزاده، زهرا؛ فراهانی، حجت‌الله؛ صابری، سید مهدی؛ پاشایی بهرام، معصومه. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای خودتنظیمی و پریشانی روانشناختی در رابطه بین خشونت خانگی و عملکردهای شناختی در زنان قربانی همسرآزاری. روانشناسی شناختی، ۶(۳)، ۵۱-۶۰.

<https://jcp.khu.ac.ir/article-1-3052-fa.html>

-تاج خراسانی، سمیرا؛ مسعود، غلامحسین و شکرچی زاده، محسن. (۱۴۰۱). نگاه بومی به نظریه کنترل اجتماعی جرم با توجه به مبانی اسلامی - ایرانی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۲۰)، ۳۱۷-۳۴۵.

[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_165083.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_165083.html)

-تبریزی، الهام؛ صابری، راضیه و فرزام مهر، محدثه. (۱۴۰۳). تحلیل اثرات شاخص جوی دما بر جرائم خشونت‌آمیز و مالی (مطالعه موردی مراکز استان‌ها). پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۲(۲۳)، ۳۲۸-۲۸۹.

[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_197043.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_197043.html)

-جهانی جناقرد، میلاد. (۱۳۹۹). خشونت خانگی علیه زنان در ایران. قانون یار، ۴(۱۵)، ۸۹۷-۹۰۹.

<https://www.sid.ir/paper/525401/fa>

-حسن، معصومه؛ کاشانیان، مریم؛ روحی، مریم؛ ویژه، مریم، و حسن، مریم. (۱۳۸۹). خشونت خانگی علیه زنان باردادار: شیوع و علل مرتبط. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱(۴)، ۷۷-۹۵.

<https://www.sid.ir/paper/168977/fa>

-حسنی زاده، میثم. (۱۴۰۴). جبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی. تمدن حقوقی، ۸(۲۳)، ۵۷۱-۵۹۲.

[https://www.pzhfars.ir/article\\_218083.html](https://www.pzhfars.ir/article_218083.html)

- دهدست، کوثر؛ قاسمی نیایی، فاطمه؛ درخشان، نفیسه. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل گفتمان اخبار خشونت خانگی در بستر رسانه‌های مجازی. فرهنگي- تربیتی زنان و خانواده، ۱۹(۶۶)، ۱۱۱-۱۳۱.  
[https://journals.ihu.ac.ir/article\\_208461.html](https://journals.ihu.ac.ir/article_208461.html)
- رضایپور، زهرا؛ فرجی‌ها، محمد و روشن، محمد. (۱۴۰۲). تحول نقش قاضی در رویکرد حل مسئله به خشونت خانوادگی؛ مطالعه تطبیقی حقوق کیفری کامن‌لا و ایران. حقوقی دادگستری، ۸۷(۱۲۲)، ۱۳۵-۱۵۸.  
[https://www.zlj.ir/article\\_706826.html](https://www.zlj.ir/article_706826.html)
- روستایی، مهرانگیز. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی «اصل ضرر» و «قاعده لاضرر» در توجیه مداخله کیفری. پژوهش‌های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، ۱۹(۲)، ۵۱-۷۳.  
[https://clr.modares.ac.ir/article\\_13891.html](https://clr.modares.ac.ir/article_13891.html)
- سلمان پور، عباس و حیدری، سعید. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی جرائم علیه خانواده. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۵(۱)، ۸۳-۱۰۷.  
[https://jol.guilan.ac.ir/article\\_641.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_641.html)
- سوهانیان حقیقی، محسن و فیضی، ایرج. (۱۴۰۱). تحلیل وضعیت خشونت خانگی در خانواده ایرانی. پژوهش مسائل اجتماعی ایران، ۲(۶)، ۱-۳۱.  
<https://risi.ihss.ac.ir/Article/41656>
- صابریان، معصومه؛ آتش نفس، الهه؛ بهنام، بهناز و حقیقت، شهلا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی و روش‌های مقابله با آن از دیدگاه زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سمنان در سال ۱۳۸۲. مجله علمی پزشکی قانونی، ۱۰(۳۳)، ۳۰-۳۴.  
<https://sid.ir/paper/53517/fa>
- صیادمنصور، علیرضا. (۱۳۹۹). واکاوی پدیدارشناسانه خشونت خانگی؛ یک دورنمای اخلاقی. فصلنامه اخلاق پژوهی، ۳(۷)، ۱۱۳-۱۴۰.  
[https://ethics.riqh.ac.ir/article\\_13103.html](https://ethics.riqh.ac.ir/article_13103.html)
- طاهرخانی، سکینه. (۱۳۹۵). ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های مرتبط با خشونت خانگی. اخلاق پزشکی، ۱۰(۳۵)، ۱۴۱-۱۷۵.  
<https://journals.sbmu.ac.ir/me/article/view/12169>
- غلامی، علی و حسین زاده، جمال‌الدین. (۱۳۹۳). مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۵(۳۹)، ۹۱-۱۱۷.  
[https://ilr.isu.ac.ir/article\\_1573.html](https://ilr.isu.ac.ir/article_1573.html)
- قادرزاده، امید. (۱۴۰۳). خشونت جنسیتی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای رفاه اجتماعی، ۲۴(۹۵)، ۲۲۸-۱۷۵.  
<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-4327-fa.html>
- قماش، سعید. (۱۳۹۱). کرامت انسانی مانع گسترش جرم‌انگاری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۱)، ۱۳۷-۱۵۸.  
[https://jclr.atu.ac.ir/article\\_2182.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_2182.html)
- کاظمی، زهرا و قاسمی، قاسم. (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی شهرستان کرج). پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱(۲۱)، ۱۳۱-۱۶۳.  
[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_156089.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_156089.html)
- کبیری، افشار. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی پدیده قتل ناموسی با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۳(۲)، ۶۹-۹۲.  
[https://ssoss.ui.ac.ir/article\\_28614.html](https://ssoss.ui.ac.ir/article_28614.html)
- کرمانیان، سحر؛ گلشنی، فاطمه؛ باغداساریانس، آنتیا و جمهری، فرهاد. (۱۴۰۲). تدوین مدل ساختاری خودشیفتگی بر اساس تروماهای اوایل زندگی، عملکرد خانواده و شیوه‌های فرزندپروری

ادراک شده مادر با میانجیگری دشواری تنظیم هیجان و کمال‌گرایی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۳(۵۰)، ۱۰۹-۹۳.

[https://www.socialpsychology.ir/article\\_178113.html](https://www.socialpsychology.ir/article_178113.html)

-کیانی، مژده. (۱۳۹۳). تجربه زنان از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۳(۱)، ۱۴-۲۶.

<https://www.sid.ir/paper/215450/fa>

-گلچین، مسعود؛ کریمی، علیرضا؛ رضائی، علی و اعظم آزاده، منصوره. (۱۴۰۲). مضمون‌شناسی خشونت زنان و مردان متأهل علیه همسران خود: معنا، دلایل و پیامدها. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۸(۶۳)، ۳۰۵-۳۳۲.

-محمدی فرد، بشری. (۱۳۹۶). کمال‌گرایی کیفری و بازتاب آن در نظام حقوق کنونی ایران. رساله دکتری. دانشگاه تهران.

-مرادی، امیر. (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذاری کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲(۲)، ۲۶۵-۲۹۶.

[https://jcl.illrc.ac.ir/article\\_239540.html](https://jcl.illrc.ac.ir/article_239540.html)

-معظمی، شهلا. (۱۳۸۳). جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۲)، ۳۹-۵۳.

[https://jwdp.ut.ac.ir/article\\_13261.html](https://jwdp.ut.ac.ir/article_13261.html)

-مقدسی، محمدباقر و روستائی، مهرانگیز. (۱۴۰۳). قتل‌های ناموسی و مطالعه تطبیقی بازتابی آن در نظام‌های کیفری غربی، اسلامی و ایران. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۲)، ۱۳۹-۱۶۲.

[https://csiw.qom.ac.ir/article\\_2777.html](https://csiw.qom.ac.ir/article_2777.html)

-مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد. (۱۳۹۷). مداخله کیفری در حوزه خانواده در پرتو مبانی شاخص جرم‌انگاری. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۳(۶۹)، ۱۴۵-۱۷۲.

[https://flj.isu.ac.ir/article\\_71011.html](https://flj.isu.ac.ir/article_71011.html)

-موسوی مجاب، سیددرید. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه و نقش اصل حسن‌نیت در حقوق کیفری. حقوقی/دگستری، ۸۶(۱۲۰)، ۲۷۹-۳۰۳.

[https://www.jlj.ir/article\\_254800.html](https://www.jlj.ir/article_254800.html)

-موسوی‌فر، زهره. (۱۳۹۳). دیوان کیفری بین‌المللی و سیاست تقنینی مقتضی دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال جرم‌انگاری مصادیق خشونت جنسی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۲(۴)، ۵-۳۷.

[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_42382.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_42382.html)

-نجفی توانا، علی و جمشیدی، مریم. (۱۴۰۲). بررسی جرم‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و تأثیر آن بر طلاق. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۸(۱۰۱)، ۲۲۵-۲۵۰.

[https://jlviews.ujss.ac.ir/article\\_707538.html](https://jlviews.ujss.ac.ir/article_707538.html)

-نجفی کلیانی، محمد؛ حسینی، سید محمد؛ بهبانی، کاوه و دباغ، حسین. (۱۴۰۱). قبای قانون بر قامت اخلاق؛ نگرشی انتقادی بر خوانش پاتریک دولین در باب الزام قانونی اخلاق متعارف. پژوهش‌های فلسفی، ۱۶(۳۹)، ۵۱۴-۵۳۲.

[https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article\\_14128.html](https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_14128.html)

-یزدیان جعفری، جعفر و خیرمند، الهه. (۱۳۹۴). پدرسالاری کیفری، مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری. حقوق اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۶۷-۱۰۶.

[https://hoquq.iict.ac.ir/article\\_18629.html](https://hoquq.iict.ac.ir/article_18629.html)